

سهم تحریم و ضعف مدیریت در افزایش قیمت ها

سال 91 روزهای پایانی خود را پشت سر می گذارد. این سال با تمام فراز و نشیب ها، موفقیت ها و برخی سختی ها در حال به پایان رسیدن است.



کیهان بررسی می کند

سهم تحریم و ضعف مدیریت در افزایش قیمت ها

سال 91 روزهای پایانی خود را پشت سر می گذارد. این سال با تمام فراز و نشیب ها، موفقیت ها و برخی سختی ها در حال به پایان رسیدن است.

جمهوری اسلامی همواره در حال پیشرفت و رسیدن به قله های تعالی و دستیابی به رشد و شکوفایی در همه زمینه ها بخصوص اقتصادی است.

رسیدن به تعالی و رشد نیازمند همکاری و وحدت آحاد مردم و مسئولان در بخش های مختلف است.

مردم در صحنه های مختلف نقش خود را به خوبی ایفا کرده و می کنند. اما از مسئولان نیز انتظار دارند در این رهگذر، از فراهم آوردن زمینه های آسایش و رفاه آنان غافل نباشند.

مسئولان دولتی در این زمینه بزرگترین و به عبارتی نقش اول را دارند. دولت تلاش دارد با تمام توان وسایل رفاه مردم را تهیه کند. طرح هدفمندی یارانه ها نیز در همین راستا برنامه ریزی و اجرایی شد.

مسئولان قبل از اجرای این طرح پیش بینی می کردند عده ای سودجو در این رهگذر اخلال ایجاد کنند. لذا برنامه هایی که برای مقابله با این پدیده لازم بود اجرایی شد ولی کافی نبود.

نوسان نرخ ارز

امروز تولید داخل با عواملی دست و پنجه نرم می کند که نوسان نرخ ارز یکی از این عوامل است.

بالا رفتن قیمت کالاهایی که در تولید آنها ارز دخیل است امری طبیعی است. اما امروز شاهد گرانی محصولات هستیم که ارز در تولید آنها دخالت ندارد، ولی گران به دست مردم می رسد. برای ریشه یابی این روند نامبارک باید دو مسئله را از یکدیگر تفکیک کرد، گرانی و گرانفروشی است.

در حال حاضر اقتصاد ایران با هر دو پدیده گرانی و گرانفروشی دست به گریبان است.

طی چند ماه گذشته تولیدکنندگان بدون مجوز دولت و به گفته خودشان با افزایش قیمت نهاده های تولید، قیمت ها را بالا بردند و دولت هم با ارزیابی میزان افزایش قیمت تمام شده، مجوز افزایش قیمت ها را صادر کرد. اما در این باره ذکر چند نکته ضروری است. اول اینکه آیا دولت با گرانی های خودسرانه چه برخوردی کرد؟ و قیمت کالاهایی که باید به قبل برمی گشت انجام شد، که جواب منفی است. دوم اینکه هم اکنون برخی کالاهایی که به مصرف کننده عرضه می شود نه تنها نرخ ارز بر قیمت آنها تاثیر نداشته بلکه دولت هم با افزایش قیمت آنها موافقت نکرده ولی گران به دست مردم می رسد و سازمانهای ناظر هیچگونه برخوردی با آنها ندارند.

پسته که این روزها بحث آن به شدت در کشور به دلیل بالا رفتن قیمت آن داغ شده یکی از همین موارد است. صادرات این محصول در گذشته انجام می شد و طی ماههای اخیر روند آن نیز رو به افزایش گذاشت. ولی آیا باید این دلیلی بر بالا رفتن قیمت آن باشد. نباید برنامه ریزان و مسئولان بخش صادرات ابتدا مصرف داخل را تنظیم و سپس اجازه صادرات می دادند.

سودجویی صادرکنندگان

یکی از دست اندرکاران خشکبار در بازار در این باره می گوید: اولاً اتحادیه تهران و اتحادیه کشوری باید در این زمینه به کمک دولت می آمدند که نیامدند. دوم اینکه صادرکنندگان دولت را فریب دادند.

او می گوید: با بالا رفتن قیمت ارز صادرات پرسود شد و همین جا بود که باید اتحادیه به کمک دولت می آمد و می گفت، ارز حاصل صادرات باید به قیمت مبادله ای فروخته شود. ولی صادرکنندگان پسته و خشکبار ارز حاصل از صادرات خود را با قیمت آزاد در بازار فروختند و هیچ کنترلی نیز بر صادرات نشد. او ادامه می دهد: روزی که دولت اعلام کرد صادرات پسته ممنوع است قیمت پسته فندقی از کیلویی 36 هزار تومان در بازار به 24 هزار تومان رسید. از طرفی دیگر وقتی صادرکنندگان با ممنوعیت صادرات پسته مواجه شدند به دولت اعلام کردند پسته فندقی را با قیمت کیلویی 30 هزار تومان به مردم عرضه می کنند، در حالی که قیمت پسته فندقی مرغوب و درجه یک سال گذشته کیلویی 16 هزار تومان بود و پسته احتکار شده نیز که به مردم فروخته شد، مرغوب نیست و قیمت آن بسیار پایین تر است، و این دو مسئله ای است که باعث فریب دولت شد. زیرا صادرکنندگان با عرضه پسته نامرغوب و قیمت بالا، اجازه صادرات را مجدداً گرفتند. از وی می پرسیم ظاهراً استقبال از پسته 30 هزار تومانی در نمایشگاه ها خوب بوده است، اگر کیفیت نداشت مردم نمی خریدند. در پاسخ می گوید: اولاً پسته در معرض دید مردم نیست، مردم صف می کشند و فکر می کنند چون قیمت پایین تر از بازار است خرید به صرفه است. ولی این پسته کیفیت ندارد. این دست اندرکار آجیل و خشکبار می گوید: متأسفانه آجیلی که در نمایشگاه ها عرضه می شود نه تنها کیفیت لازم را ندارد بلکه 10 درصد هم از قیمت پسته مرغوب بازار بالاتر است و متأسفانه

اتحادیه هیچگونه عکس‌العملی در این زمینه نشان نداد و مسئولین برگزاری نمایشگاه نیز در این باره تحقیقی نکردند. وی تأکید می‌کند: در حال حاضر بادام آمریکایی و فندق ترکیه بصورت قاچاق وارد می‌شود و با قیمت بالا به دست مصرف‌کننده می‌رسد و هیچ‌گونه نظارتی بر آن نیست. پسته فندقی 30 هزار تومانی نیز کیفیت خوبی ندارد. نظرات مردم

روز پنجشنبه و در هوای برفی تهران که اکثر مردم از نزول این نعمت الهی خوشحال بودند، در یکی از نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا با آنها گفت و گو کردیم. نظرات کلی مردم درباره نمایشگاه‌های بهاره را می‌خوانید: عرضه و قیمت مواد غذایی مناسب است، عرضه کنندگان پوشاک اکثراً مغازه‌داران سطح شهر هستند و تولیدکنندگان فقط در پارک ارم حضور دارند. کیفیت پوشاک، کیف و کفش نازل است و مردم استقبال آنچنانی نکرده‌اند. اینها نظرات و صحبت‌های کسانی است که حداقل به دو نمایشگاه در 4 نمایشگاه سطح تهران مراجعه داشته‌اند. اما مردم در این گفت و گو نظرات دیگری دارند که خواندنی است.

مردم می‌گویند، اگر دولت می‌تواند مواد غذایی را با قیمت‌های مناسب در نمایشگاه عرضه کند، چرا این کار در واحدهای صنفی سطح شهر و در طول سال انجام نمی‌شود. مردم درباره بازرس‌ها می‌گویند: به هیچ وجه این مسئله قابل لمس نیست زیرا کسبه سطح شهر کار خود را می‌کنند و گرانفروشی‌ها مهار نشده است. دولت همه ساله و در ایام پایانی سال اعلام می‌کند، بازرسان در سطح شهر به کار کسبه نظارت دارند ولی همچنان قیمت‌ها بالاست و این نشان دهنده آن است که نظارت‌ها تأثیری ندارد و باید ساز و کار دیگری اندیشیده شود.

درباره نقش سازمان حمایت در مبارزه با گرانفروشی نیز از مردم پرسیدیم که در پاسخ جواب دادند: متأسفانه سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بخش حمایت از مصرف‌کننده را کنار گذاشته و به حمایت از تولیدکننده پرداخته است. مردم می‌گویند: معلوم نیست قدرت و نفوذ تولیدکنندگان تا چه اندازه است که سازمان حمایت به کمک تولیدکنندگان برای بالا بردن قیمت‌ها آمده است، و به درخواست‌های گرانی کالا جواب مثبت می‌دهد.

آقایی حدوداً 70 ساله در نمایشگاه مصلی می‌گوید: گاهی افزایش قیمت ناشی از گرانی است و گاهی گرانفروشی. گرانی یعنی کالا ارزش افزوده پیدا کرده که طبیعی به نظر می‌رسد اما گرانفروشی یک جرم است، و هیچ دلیلی جز سودجویی ندارد. گرانی کالا به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه است و باید اقتصاددان‌ها وارد موضوع شوند و سازوکارهای لازم را پیشنهاد و به دولت برای اجرا ارائه کنند. اما در گرانفروشی باید دستگاه‌های نظارتی و قضایی وارد کار شوند. گرانفروشی قابل کنترل تر و با یک اراده قوی قابل حل است. و تا آنجایی که ما تاکنون دیده‌ایم در اکثریت کالاها، معضل فعلی کشور گرانفروشی است نه گرانی. و آنچه که مشاهده می‌شود اراده‌ای برای حل مشکل مبارزه با گرانفروشی وجود ندارد و قوانین نیز کارآمدی لازم را ندارد. شما در شهری مانند تهران مثال یک شهر و هزار نرخ را در اکثر کالاها می‌بینید.

امیدوارم منفعت ناظران با منفعت متخلفان گره نخورده باشد، وگرنه راه به جایی نخواهیم برد. یکی دیگر از هموطنان درباره عدم برخورد با گرانفروشان می‌گوید: بزرگترین ایراد به تعزیرات و دستگاه قضا است. چرا شرکتی که به جرم میلیاردها ریال گرانفروشی جریمه می‌شود و حکم قطعی داده می‌شود را به مردم معرفی نمی‌کنند. بارها از طریق مطبوعات و رسانه‌ها می‌خوانیم و می‌شنویم که مثلاً فلان شرکت واردکننده خودرو به جرم گرانفروشی جریمه شده ولی نام او اعلام نمی‌شود. چرا نباید مردم گرانفروش را بشناسند و از گرانفروش خرید نکنند، همین امر باعث می‌شود مجرمین با پرداخت جریمه اولاً به کار گرانفروشی خود ادامه دهند زیرا باید مبلغ جریمه جبران شود و ثانیاً خیالشان راحت می‌شود که نام آنها محفوظ است. مثلاً در گرانی محصولات لبنی بارها اعلام شد کارخانجات متخلف به جرم گرانفروشی جریمه شده‌اند ولی هیچگاه نام این کارخانجات اعلام نشد و دیدیم که آنها هم هیچ وقت قیمت‌ها را به قبل برنگرداندند.

بازار خودرو

یک دست‌اندرکار خودرو که نمی‌خواهد نامش در گزارش نوشته شود درباره قیمت خودرو، تولید آن و می‌گوید: سال‌هاست دو خودروساز بزرگ کشور از انواع و اقسام حمایت‌ها برخوردارند و فقط به سود فکر می‌کنند. بازاری انحصاری را در اختیار دارند و به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهند، کیفیت است. او می‌افزاید: در پی نوسانات بازار ارز در سال جاری اکثر تولیدکنندگان و از جمله خودروسازان خواستار افزایش قیمت محصولات خود شدند. بهانه آنها هم بالا رفتن قیمت تمام‌شده تولید است. اما این همه ماجرا نیست. خودروسازان به عمد تولید را کاهش دادند تا بتوانند از دولت امتیاز بگیرند که تا حدودی هم موفق شدند. وی می‌گوید: رئیس‌جمهور در مصاحبه تلویزیونی خود به موضوعات مهمی درباره وضعیت خودروسازی کشور اشاره کرد و مسئله کاهش تعرفه نکته مهمی است، زیرا بالا بودن تعرفه یکی دیگر از امتیازاتی است که خودروسازان داخلی با این حربه به تنها موردی که عمل نمی‌کنند، ارتقای تکنولوژی است. اگر تعرفه واردات پایین بیاید،

خودروهای وارداتی با قیمت پایین‌تر از قیمت تولیدات داخل وارد می‌شوند و آزمون مشخص می‌شود صنعت خودروی ما در چه جایگاهی است. آیا خودرویی مانند پراید که به گزارش سازمان بازرسی و کیفیت استاندارد، بیشترین نمره منفی را دارد باید تولیدش ادامه داشته باشد آنهم با این قیمت جدیدی که اعلام شده است. این دست‌اندرکار خودرو در ادامه می‌گوید: رئیس‌جمهور اخیراً و هفته پیش با پرداخت تسهیلات میلیاردی و ارز مبادله‌ای به خودروسازان موافقت کرد، بنابراین انتظار می‌رود، کیفیت خودروها افزایش و قیمت‌ها کاهش یابد.

وی اظهار امیدواری کرد، شورای رقابت در زمینه قیمت‌گذاری خودرو بدون ملاحظه کاری و دادن امتیاز به خودروسازان وارد عمل شود.

وي همچنين به افزايش تقاضا در بازار اشاره کرده مي گويد: احتكار خودروسازان و عرضه نکردن خودروهاي توليدي به بازار به اميد افزايش قيمت به التهاب بازار دامن زد و اظهارات برخي خودروسازان مبني بر نبود قطعات و توقف خط توليد در حالي است که انبار خودروسازان مملو از خودروهاي توليدي است. اگر هيأتي مستقل مسائل چندين ماهه خودروسازان را به درستي تحقيق و تفحص کند، درخواهد يافت نه تنها کمبودي از نظر توليد نيست بلکه بهانه اي بوده است براي امتياز گرفتن از دولت در زمينه دريافت تسهيلات و بالا رفتن قيمت.

يك استاد دانشگاه نيز درباره قيمت گذاري خودرو و افزايش آن در بازار با تأکيد بر کمک سازمان حمايت به خودروسازان گفت: «#171؛ اصلاً قرار نيست که اين قيمت ها از سوي سازمان حمايت اعلام شود. سازمان حمايت با کمک به خواسته هاي ناحق خودروسازان بيش از پيش حقوق مصرف کنندگان را نادیده گرفته است.»

وي در پاسخ به اين سؤال که آیا مصوبات جديد تنها به افزايش رسمي خودرو منجر شده است و خودروسازان همانند گذشته بنا ندارند که به تعهدات خود مبني بر افزايش توليد و به تعادل رساندن بازار پاييند باشند گفت: «#171؛ خودروسازان در ايران هيچگاه به دنبال به تعادل رساندن بازار نبوده اند و تنها به منافع شخصي و گروهي خود فکر مي کنند. با توجه به اينکه در هر حالي انبارهاي خودروسازان پر از خودرو بوده است، خودروسازان به دليل انحصاري که در اين صنعت وجود دارد همواره به دنبال بهانه اي هستند که هر چند وقت يکبار قيمت ها را افزايش دهند.»

وي با اشاره به تصميماتي که در خصوص صنعت خودرو گرفته مي شود گفت: «#171؛ با توجه به اينکه تماتي تصميماتي که در خصوص توليد، قيمت و تعادل بازار خودرو اتخاذ مي شود از يك سو به خودروسازان دولتي وصل است، در نهايت به ضرر مصرف کننده و اجحاف در حق آنان ختم مي شود.»

اين استاد دانشگاه با تشریح وضعیت خودروسازي در کشور گفت: «#171؛ سال هاست که مجلس، دولت و مردم با کمک به صنعت خودرو به اسم استقلال و بي نيازي اين صنعت از بازارهاي خارجي و تاوان ضررهاي اين صنعت را پرداخت کرده اند. خودروسازان با شعارهاي خود در اين سالها به مردم وعده ارزبري کمتر در اين صنعت دادند؛ اما چگونه است که با تغييری در بازار ارز يك مرتبه قيمت خودرو بيش از دو برابر افزايش پيدا مي کند؟ بنابراین مي توان نتيجه گرفت که ما پس از اين سالها به استقلال در اين زمينه نرسیده ایم و مصرف کننده مجبور است همچنان خودروهاي توليدي را به دليل انحصار در اين بازار به چند برابر ارزش بخرد.»

وي تصريح کرد: «#171؛ تا زماني که مصوبات، تصميمات و سياست گذاري ها در صنعت خودرو با دخالت و نفوذ خودروسازان انجام پذيرد نمي توان به بهبود اين بازار چشم داشت و مصرف کننده مجبور است که محصولي برابر که با هيچ يك از استانداردهاي زيست محيطي و صنعتي روز دنيا مطابقت ندارد را به چند برابر قيمت خريداري کند. از سوي ديگر به دليل تعرفه بالاي خودروهاي وارداتي، تعداد محدودی که از اين خودروها به کشور وارد مي شود تحت شعاع قيمت خودروهاي داخلي قرار مي گيرد.»

تأثير تحریم ها بر گرانی رسانه هاي خارجي مدتي است سعي مي کنند ابعاد تحریم و اثرات آن را در کشور وسيع جلوه دهند. ايران پس از انقلاب اسلامي تاکنون مورد تحریم هاي گوناگون آمريکا و غرب بوده و اين مسئله نه تنها موجب ضعف ساختارهاي اقتصادي کشور نشده بلکه در بخش هايي باعث شکوفايي شده است، که از آن جمله مي توان به رشد 6 برابري ارزش بازار سرمايه اشاره کرد. همچنين صادرات غيرنفتي ايران رشد چند برابر داشته است. از منظر ديگر، يکي از محاسن تحریم ها کاهش وابستگي بودجه سالانه کشور به درآمدهاي نفتي است. و اين موردی است که کشورهای غربي گمان مي کردند با تشديد تحریم ها مي توانند از اهرم نفت به عنوان پاشنه آشيل ايران بهره برده و به خيال خود ضربه سختي به ايران وارد کنند در حالي که مسئله بنزين به همگان نشان داد علي رغم تحریم واردات بنزين به ايران، توليد اين فرآورده نفتي در داخل کشور افزايش داشته و صادرکننده نيز شده ایم. يك کارشناس اقتصادي با اشاره به اينکه تحریم ها ربطی به گرانی هاي اخير ندارد مي گويد: دولت بايد مشکلات توليد را رفع کند. سيستم توزيع نيز بيمار است و توليد کننده و توزيع کننده فقط به دنبال سود هستند. وي مي افزايد: مهار گرانی ها به تدابير ويژه و خاص نياز دارد.

يکي از شهروندان نيز درباره گرانی هاي اخير مي گويد: بازار رها شده، و اينکه گفته مي شود تحریم ها در اين بازار دخيل هستند، نوعي فرار به جلو براي شانه خالي کردن از مسؤليت هاست. بايد توليد را حمايت کرد و بازار را با رقابت توليدکنندگان کنترل کرد. وي در ادامه مي گويد: مديريت نکردن بازار عرضه و تقاضا نيز از مسائلي است که موجب اين وضعيت شده است.

يك کارشناس اقتصادي نيز درباره ميزان اثرگذاري تحریم ها بر وضعيت اقتصادي کشور مي گويد: تحریم نه تنها تأثيري بر وضعيت اقتصادي کشور به طور خاص نداشته ولي عاملي شده است تا عده اي سوداگر از اين وضعيت سود ببرند و برخي مسئولان نيز ضعف مديريت خود را به تحریم ها پيوند بزنند، در حالي که ضريب تأثير تحریم ها با جهش قيمت ها همخواني ندارد.

يك کارشناس اقتصادي درباره تأثير تحریم ها بر اقتصاد کشور مي گويد: غربي ها هر چه تير در ترکش تحریم ها داشتند رها کرده اند و ديگر اين ابزار کارايي چنداني براي ايشان ندارد. بي شک مقاومت مردم صبور ايران در برابر تحریم هاي خصمانه دشمنان باعث شده تا اين اهرم فشار به مرور دچار فرسودگي و انحلال شود و از خاصيت بيفتند. وي ادامه مي دهد: بروز بحران هاي پي در پي اقتصادي در غرب به خوبي اين واقعيت را نشان مي دهد که نتيجه تحریم ها بر ضد ايران بالعکس شده و اصطلاحاً تير کمانه کرده است. کاهش اجباري 80 ميليارد دلاري بودجه آمريکا، نرخ بيکاري دو رقمي در اتحاديه اروپا، رشد منفي اقتصادي در فرانسه و کاهش توليدات صنايع پيشرفته در آلمان همگی بيانگر اين حقيقت آشکار است که تير تحریم ها بر ضد ايران برگشت خورده و قلب غرب را نشانه رفته است.